

شرح رساله حقوق

حضرت فرمودند « و اما حق الصوم فان تعلم انه حجاب ضربه الله على لسانك و سمعك و بصرک و فرجک و بطنک لیسترك به من النار »

دو جلسه گذشته ما درباره این فقره ابتدائاً به صورت اجمالی یک توضیحی دادیم و سپس به اهمیت روزه به نحو بسیار کوتاه اشاره کردیم که روزه چه مقدار مهم است.

حضرت در این فراز از رساله حقوق به حق روزه اشاره کردند. امام(ع) بعد از ذکر حقوق اعضاء و جوارح انسان حقوق بعضی از عبادات را بیان کردند. اول نماز بود بعد حج و حال نیز روزه. قبلاً هم گفتیم اینکه اساساً برای یک عبادتی مثل صوم حق قائل شدند این خودش یک نکته قابل توجهی است. یعنی صوم ذی حق شمرده شده است، همانطور که نماز دارای حقوقی بود، همانطور که حج دارای حقوقی بود روزه نیز دارای حقوقی است.

معنای ذو حق بودن عبادت

در تصویر چگونگی ذو حق بودن روزه به عنوان یک عبادت همانطور که قبلاً به آن اشاره کردیم باید بگوییم صوم یک عبادتی است که حقیقت آن را شارع اختراع کرده است یعنی مجموعه‌ای از تروک را با نیت خاصی به نام روزه در عالم اعتبار ایجاد کرده است.

حال این حقیقت اعتباری چطور دارای حق است؟ صوم خارجی بعد از عمل ما محقق می‌شود یعنی وقتی مکلف از صبح تا شب از بعضی از امور امساک کند، گفته می‌شود صام، صوم او محقق می‌شود. یا نماز وقتی تحقق پیدا می‌کند که مکلف با شرایط خاص رو به قبله بایستد و نماز را اقامه کند، اینجا وجود خارجی نماز محقق می‌شود. اما اینکه محقق می‌شود که دیگر معنا ندارد که بگوییم دارای حق است. این نشان دهنده آن است که هر یک از این عبادات در عالم ملکوت یک حقیقتی برایش وجود دارد. حقیقت نماز، صوم که طبق برخی روایات در عالم برزخ برای انسان متمثل و متجلی می‌شود این یک موجودی است، اینکه نماز به صورت نور در عالم برزخ بر افراد ظهور می‌کند، ممکن است بگوییم آن همان عین عملی است که انجام دادند، کسی که نماز می‌خواند از باب اینکه اعمالش در برزخ و قیامت مجسم می‌شود آن نور در واقع تجسم عمل خارجی او در دنیا است، ممکن است این را بگوییم. ولی بحث این است که تصویر عبادتی مثل صوم که حق دارد، چگونه است؟ آیا مثل موجودات دیگر، انسان و طبیعت که حق برای او فرض می‌کنیم یعنی یک موجود محقق که یا مادی است یا مجرد، این حقوق را باید رعایت کنیم. انسان‌ها یک حقی گردن هم دارند. درخت، آب، دارای حق است، این حقوق به گردن ماست، ما وقتی می‌گوییم صوم حقش این است یا باید این را به عنوان یک موجودی و رای عالم ماده، یک حقیقت نوری، یک حقیقتی برایش در عالم ملکوت تصور کنیم که آن این حق را دارد؟ زیرا بحث در اینجا در مورد حقوق است، حقوق هم نه معنای حقیق و یلیق که اینچنین بشود. چطور می‌شود این حق را معنا کرد؟

یک وقت که می‌گوییم «حق» نماز و روزه این است، معنایش این است که سزاوار و شایسته و لازم است که نماز این آثار را داشته باشد. اما یک وقت منظور از حق روزه و نماز و صوم بالاتر از این است، یعنی نمی‌خواهد بگوید و حقیق و یلیق، شایسته و سزاوار است که نماز و روزه و حج این نتایج را داشته باشد. ظاهر ذکر این عبادات در کنار اعضاء و جوارح و نیز اصنافی که اینجا بیان شده، این است که این موجودی است و حقیقتی دارد که دارای حقوقی است و الا اگر بخواهیم حق را به معنای دومی

بگیریم، این با حقوق اعضاء و جوارح و حقوق معلم و همسایه و حاکم و ... از دو سنخ و وادی می‌شوند.
بر این اساس کأنه روزه یک حقیقتی دارد که اگر بخواهد متمثل شود در قالب نور و روشنایی و زیبایی متمثل می‌شود. این یک بحث مهمی است که حقیقت وجودی عبادات چیست؟ به هر حال صوم یک حق بسیار مهمی دارد.
«و الحمد لله رب العالمین»